

سهم روزنامه «قانون» در بیداری مردم ایران

سید غلام نبی احمد*

قرن نوزدهم میلادی به عنوان دوره نوآوری و ملی‌گرایی و بیداری در جهان به شمار می‌رود که در طی آن در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و ادبی و فرهنگی تحولات گوناگون رخ نمود. این نهضت‌ها که از روح و قلب یک ملت ستمدیده سرچشمه گرفته بود، چنان رستاخیز بزرگی در دنیا برپا کرد و توفانی بی‌نظیر به وجود آورد که مشعل راه کشورهای دیگر گردید. ایران نیز که در این دوره دستخوش بحرانهای مختلف سیاسی و اجتماعی بود نتوانست از این انقلاب و جنبش‌های گوناگون در کشورهای دور و بر خود چشم‌پوشد و سرانجام ملت ایران که تحت حکومت استبدادی و استعماری پادشاهان وقت زیر بار فقر و فلاکت به سر می‌برد، از خواب غفلت بیدار شد. نویسندگان چیره‌دست و سخنوران برجسته و دانشمندان و دانشوران بلند پایه و تجدیدطلبان شامخی ظهور کردند که در پرداختن و کاشتن تخم‌آزادی و اندیشه‌های بیداری در دل مردم ایران سهم گرانبه‌ای داشتند.

روزنامه‌های چاپ ایران به علت اختناق و سیستم شاهنشاهی که رواج داشت امکان نداشت که حقایق تلخ روزگار را منعکس بسازند. به همین جهت بود که بسیاری از روشنفکران و آزادیخواهان ایرانی از کشور خودشان دست به فرار زده در کشورهای دیگر اقامت گزیدند و با انتشار روزنامه‌ها در ساختن اذهان توده مردم ایران به کارهای فوق‌العاده پرداختند. میرزا ملکم خان که در آن دوره بعد از عزل از سفارت در لندن به سر می‌برد از طریق روزنامه‌اش به نام «قانون» اهمیت قانون و عدالت اجتماعی را

* استادیار فارسی دانشگاه لکهنو، لکهنو.

به مردم خاطر نشان کرد. مقالات آتشین و انقلاب آفرین این روزنامه‌نگار سرشناس در هموارسازی راه برای افکار نوگرایی و تجدّدخواهی و عدالت‌جویی و اجتماعی و سیاسی خیلی مؤثر افتاد که با وجود قدغن شدن ورودان به ایران از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار شد. روزنامه قانون ملکم خان آینه‌ای است که در آن حقایق تلخ و فاجعه‌آمیز آن زمان ایران را می‌توان مشاهده و بررسی نمود.

چنان‌که اشاره کردم این روزنامه تحت مدیریت و سرپرستی میرزا ملکم خان در ۲۰ فوریه ۱۸۹۰/رجب ۱۳۰۷ هجری در لندن به صورت ماهیانه انتشار یافت که فقط شماره اول ۸ صفحه بود، بقیه تمام شماره‌ها ۴ صفحه داشت. در هر شماره به روی صفحه اول اسم روزنامه و سه کلمه «اتفاق، عدالت، ترقی» به چشم می‌خورد و زیر این کلمات نشانی روزنامه «محل صدور این جریده در دفترخانه کمپانی انطباعات شرقی در کوچه لومبارد نمره ۳۸ در لندن» به نظر می‌رسد. اما در شماره‌های بعدی شد. این روشن نیست روزنامه تا چند سال ادامه داشت، زیرا که بعد از شماره هفتم تاریخ انتشار نوشته نشده است. خاورشناس معروف ادوارد براون نوشته است که در مدت سه و نیم سال به صورت ماهیانه منتشر می‌شد.^۱ در مورد تعداد شماره‌ها هم بین پژوهشگران و نویسندگان اختلاف است. طبق گفته محمود نفیسی چهل و دو شماره منتشر شده است.^۲ اسماعیل راین نوشته است که چهل و پنج شماره چاپ شد.^۳ بنابه گفته براون چهل و یک شماره این روزنامه وجود دارد.^۴ هما ناطق چهل و یک شماره را گردآورده و به اضافه مقدمه به چاپ رسانده است. در مورد شماره‌های ۱۲، ۱۳، ۳۲ و ۳۳ که به دستش نیامد نوشته است که ملاحظه بشود "به نظر می‌آید که برخی از این شماره‌ها اساساً منتشر نشده باشد و ملکم به جای این شماره‌ها برخی از مقالات خود مانند ندای

۱. برون، ای.جی.: تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، ترجمه محمد عباسی (فارسی)، ج ۲، ص ۴۵-۱۴۴.

۲. محمود نفیسی: تاریخچه مطبوعات ایران، ص ۱۸۷.

۳. اسماعیل راین: میرزا ملکم خان و زندگانی و کوششهای سیاسی او، ص ۱۱۲.

۴. برون، ای.جی.: تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، ج ۲، ص ۵-۱۴۴.

عدالت و غیره را انتشار داده باشد که با ضمیمه روزنامه قانون یافتیم^۱. علامه محمد قزوینی نیز در نامه‌ای به تقی‌زاده به کم‌بودن شماره‌های مزبور اشاره کرده است^۲. عبدالحسین نوایی راجع به مندرجات و مطالب روزنامه قانون و مدیر آن ملکم خان عقیده خود را بدین قرار ابراز نموده است:

”از حق نباید گذشت که مطالب روزنامه قانون سخت در اذهان مردم مؤثر واقع شد و پایه تخت استبداد ناصرالدین شاه را لرزاند. مطالب این روزنامه بسیار ساده و روان و عبارت بود از حملات سخت به وضع استبدادی عجیب و وقایع دربار سلطنتی ایران و تجاوزاتی که کارگزاران دولت به نام دربار و شاه و صدر اعظم انجام می‌دادند. چون این سبک تحریر تا آن وقت سابقه نداشت، مردم رغبتی به خواندن آن ابراز کردند و چون دیدند که مطالبی برخلاف شاه و دربار و عمال دولت نوشته، این افسانه که شاه سایه خداست و امرش واجب‌الاطاعه است از ذهن آنان بیرون رفت و همین مقدمه‌ای شد برای جنبش مشروطه و واژگون ساختن کاخ استبداد“^۳.

روزنامه قانون علمبردار نهضت ضد استبداد و دیکتاتوری شاه ایران بود و مبلغ اندیشه‌های آزادی‌خواهی بود. ادوارد براون در مورد روزنامه و مدیرش احساسات و عواطف خویش را با این عبارت مطرح می‌نماید:

”قانون در سایه اسلوب بیان و شیوه کلام میرزا ملکم خان که در زبان فارسی عظیم‌النظیر بود، بهترین روزنامه فارسی گشت و از لحاظ نتایج حاصله و تأثیرات حادثه‌دارای مقام و موقعیت تاریخی مهمی در نهضت بیداری ایران می‌باشد“^۴.

درباره روش نویسندگی و طرز تحریر و فصاحت و سلاست قانون روزنامه صور اسرافیل چنین ارزیابی می‌کند:

۱. هما ناطق: گردآورنده روزنامه قانون، مقدمه، ص ۴.
۲. نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار، ص ۱۲۴.
۳. عبدالحسین نوایی: مجله یادگار، رک: «تاریخ جراید و مجلات ایران» از صدر هاشمی، ج ۴، ص ۷-۹۶.
۴. برون، ای.جی.: تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، ج ۲، ص ۱۴۷.

”هر کس این جریده را خوانده می‌داند که از صدر اسلام تا به حال به زبان فارسی، هیچکس بدین فصاحت و سلاست که صرف معنی و زبان وقت باشد قلم روی کاغذ نگذاشته است“^۱.

سر تا سر روزنامه قانون، چنان‌که از نام و عنوانش پیدا و هویداست، بیانگر و نشانگر شعارهای بیداری و عدالت‌جویی و اندیشه‌های سیاسی و نیز آزادی زنان است و تصویری ماهرانه از اوضاع و احوال ایران را بازتاب می‌کند. طبق نظر فرشته نورایی: ”مخاطب قانون همه طبقات اجتماع است و سبک آن خیلی ساده و روشن و گیرا می‌باشد. دایره مطالب قانون نسبتاً محدود است و از سه موضوع اصلی بحث می‌کند. انتقاد از نظام حکومت، لزوم اصلاح حکمرانی و ایجاد عدالت قانونی، تعلیمات حزبی و دعوت مردم به اتحاد و اتفاق و قانون طلبی. گذشته از این مسایل کلی، قانون چند نکته اساسی را نیز مورد بحث قرار می‌دهد. یکی موضوع جلب حمایت طبقه روحانی در پیشبرد هدفهای ملی است و موضوع دیگر توجه قانون به حقوق اجتماعی زنان است که از مترقی‌ترین جنبه‌های آن به شمار می‌رود“^۲.

مقالات و مندرجات آتشین و هیجان‌انگیز و سرشار از احساسات و عواطف میهن‌دوستی و وطن‌پرستی در این روزنامه به چاپ می‌رسید که یک موج بیداری و مشروطیت‌خواهی به وجود آورد و سراسر ایران را فراگرفت. میرزا ملکم خان یکی از طرفداران و حامیان دادگاه و قانون بود و در اولین سرمقاله قانون راجع به تأسیس این روزنامه توضیح داده است^۳.

نیز در جای دیگر از همین شماره اوضاع و احوال ایران را به الفاظ تند و تلخ بیان و مطرح نموده است که بی‌عدالتی و بی‌راه رویها و نابسامانی‌ها و ناخرسندی‌های ایران آن زمان را منعکس می‌سازد که هیچ دستوری و رسمی دولتی مخصوص و معین نشده

۱. روزنامه صور اسرافیل، شماره پنجم.

۲. فرشته نورایی: تحقیق در افکار ملکم خان، ص ۱۸۷.

۳. روزنامه قانون، ش یکم، سال ۲۰، رجب ۱۳۰۷ هـ/فوریه ۱۸۹۰ م.

بود. به نظر وی ایران دارای همه نعمات خداداد است، اما این نعمات و عطایا با عدم دادگستری و حقوق انسانی بی‌فایده و بی‌معنی است و نیز می‌گوید که برای فلاح و بهبود ملک و ملت قانون و دادگاه لازم است. مثلاً:

«ایران مملو است از نعمات خداداد. چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته بودن قانون است. هیچ‌کس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که قانون نیست. حاکم تعیین می‌کنیم بدون قانون. سرتیپ معزول می‌کنیم بدون قانون. حقوق دولت را می‌فروشیم بدون قانون. بندگان خدا را حبس می‌کنیم بدون قانون. خزانه می‌بخشیم بدون قانون. شکم پاره می‌کنیم بدون قانون. در هند در پاریس در تفلیس در مصر در اسلامبول حتی در میان ترکمن هر کس می‌داند که حقوق و وظایف او چیست!»^۱

چنان‌که اشاره شد در اواخر قرن نوزدهم میلادی بیشتر کشورهای جهان از ترقی و تحولاتی بهره‌ور شدند و قانون و عدالت در اجتماع فراهم گردید، اما ایران که فرهنگ و تمدن شایان کهنه دارد و در قرنهای دراز از توجه دنیا برخوردار بوده، از قانون و حقوق انسانی محروم و تهی دست ماند. ملکم خان در این مورد می‌نویسد:

«دولی که پیروز به وجود آمده‌اند همه صاحب قانون شده‌اند و ما که سه هزار سال است دولت هستیم و قرنهای دراز از مرکزهای ترقی دنیا بوده‌ایم، حالا در تحت این وزرای دولت پرور خود را به طوری ذلیل ساخته‌ایم... نمی‌توانیم لفظ قانون را به زبان بیاوریم»^۲.

ملکم خان بر اوضاع و احوال نامساعد مردم ایران اظهار تأسف کرده است و اشک خون‌آلود بر برگهای روزنامه قانون ریخته است. وی اوضاع کشورهای اروپایی را به طور مثال پیش می‌کشد که آنجا نه فقط حقوق انسانی بلکه حقوق جانوران و پرندگان را هم هیچ‌کس نمی‌تواند پایمال بکند، اما در ایران احوال مردم نسبت

۱. روزنامه قانون، ش ۱، سال ۲۰، رجب ۱۳۰۷ ه/فوریه ۱۸۹۰ م.

۲. روزنامه قانون، ش ۳، سال ۲۰، رمضان ۱۳۰۷ ه/آوریل ۱۸۹۰ م.

به جانوران اروپایی هم بدتر و خسته‌تر است و هیچ امنیتی و ضمانتی برای مال و متاع و عزت و آبرو نیست.^۱

اگرچه ناصرالدین شاه به دانسته خود در زمینه ترقی و تحولات اجتماعی و اصلاح اقتصادی سعی بسیار نمود، اما آن همه اقدام بدون قانون و نظم خاص ملکی، برای عموم بارآور و ثمربخش نگردید. راجع به اجرای قانون ملکم خان عقیده دارد که تشکیل یک مجلس شورای ملی لازم است و این مجلس باید مبنی بر حداقل صد نفر دانا و عاقل و باهوش و باسواد باشد که اصول و قوانین ایرانی را بدون دخالت شاه و درباریان تعیین و مزین بکنند.^۲

در مورد تاریخ تابناک و گذشته درخشان ایران باید گفت که این سرزمین شاهان و فرمانروایان بی‌مثال مانند جمشید، انوشیروان یا محمود غزنوی و غیره، پهلوانان و قهرمانان نامور چون رستم و سهراب و اسفندیار و دیگران، و دانشمندان و دانشوران برجسته مانند ابوالفضل بیهقی، امام غزالی، نصیرالدین طوسی، نظام‌الملک طوسی و بوعلی سینا و بسیار امثال آنان داشته و فیلسوفان بزرگوار مثل بیرونی و فارابی و عمر خیام و سخنوران نامدار چون فردوسی، سعدی، رومی و حافظ و غیره که از افکار و خیالات و علوم و فنون خودشان پرچم فرهنگ و تمدن ایرانی را در سراسر جهان افراشتند که تا مدت‌های طولانی مرکز و محور دنیا به ویژه آسیا بود. اما در اواخر قرن نوزدهم میلادی ملک و ملت ایران پژمرده و خسته خاطر شد و روبه زوال گذاشت. در این دوره تاریک و بدحالی شخصی ترقی‌خواه و قانون‌طلب، ملکم خان، گذشته درخشنده کشور ایران را نشان داده به توسط روزنامه قانون هموطنان را در جهت بیداری و هشداری برانگیخت.^۳

در این روزگار بیشتر کاروبار ملکی حتی نظامی را هم به خارجیان واگذار کردند. سرانجام حکومت قاجاری این قدر ضعیف شد که از افغان‌ها شکست خورد و ناحیه

۱. روزنامه قانون، ش ۳، سال ۲۰، رمضان ۱۳۰۷ هـ/آوریل ۱۸۹۰ م.

۲. روزنامه قانون، ش ۶، سال ۲۰، ذی‌الحجه ۱۳۰۷ هـ/ژوئن ۱۸۹۰ م.

۳. روزنامه قانون، ش ۱۴، بدون تاریخ.

هرات را از دست داد. مغلوب انگلیس هم شد. طرف دیگر، روسیه هم منطقه‌هایی از ایران را تحت تسلط خود آوردند. چنان‌که گفته شد، دخالت خارجیان نه فقط در امور بازرگانی و تجاری، بلکه در سیاست و کشورداری هم بسیار به چشم می‌خورد. می‌توان گفت که پادشاه ایران ناصرالدین شاه بازیچه‌ای در دست خارجیان بود. در مورد این حوادث روزگار در روزنامه قانون به لحن سخت انتقاد شده است.^۱

وقتی که قرارداد خرید و فروخت و تهیه توتون و تنباکو بین ایران و یک شرکت انگلیسی به نام «تالبوت» (رژی) به تاریخ ۲۱ مارس ۱۸۹۰ به امضا رسید، تحت این قرارداد کشاورزان ایرانی خیلی خسارت دیدند و انگلیسی‌ها از نظر مالیاتی خیلی نفع بردند. به این سبب در میان ایرانیان ناراحتی و نارضایتی بسیار پیدا شد و اخگر انقلاب و نهضت اول در تبریز و سپس به زودی در تمام حومه‌های ایران به صورت آتش روشن گشت که پای سلطنت ناصرالدین شاه لرزید. وزیران و رجال دولت ایرانی سرنگون شدند. بسیاری از نویسندگان و مورخان اعتقاد دارند که این حوادث بزرگ علل و عوامل پیدایش مشروطیت ایران بود. راجع به این قرارداد مدیر روزنامه قانون اندیشه‌های خود را بیان نموده ایرانیان را از توطئه دولت آگاه ساخت.^۲

چنان‌که بارها گفته شده، در آن زمان اوضاع ایران در هر زمینه بدتر و وخیم‌تر شده بود. خرابی‌های این گونه از تاریخ باستان تا آن روزگار دیده نشده است. ایران که از دولت و ثروت خداداد پُربار بود، به فقر و فلاکت دچار شد. امنیت و حفظ مردم در هیچ شعبه و گوشه باقی‌نمانده بود. شرم و حیا از بین رفته بود و خوف دین و دنیا هم مفقود گشت. طبق نوشته قانون:

”این دولت ملت‌پرور ایران را مبدل کرده است به یک گداخانه. عدم امنیت از برای مردم هیچ کار باقی نگذاشته است. زراعت نمی‌توانند بکنند به علت اینکه امنیت نیست. تجارت و کاسبی نمی‌توانند بکنند به علت اینکه امنیت نیست. نوکری نمی‌توانند بکنند به علت اینکه نه امنیت هست نه موجب نه آبرو نه دنیا

۱. روزنامه قانون، ش ۱۵، بدون تاریخ.

۲. روزنامه قانون، ش ۱۷، بدون تاریخ.

و نه آخرت. هنر مملکت‌داری امروز در ایران منحصر به این است که مردم را اینقدر فقیر و اینقدر احمق و اینقدر بی‌غیرت بکنند که هر قسم اسارت را متحمل بشوند بی‌آنکه قوه ناله‌داشته باشند. هیچ اغراق نخواهد بود هرگاه بگوییم از عهد کیومرث تا امروز ایران هرگز به این خرابی، به این حقارت و به این خاکساری نبوده است، چرا به علت اینکه اولیای ما ناقابل هستند^۱.

روزنامه قانون فرمانروای وقت را از مشیران و عهده‌داران جهل و چاپلوس هشدار داده است، زیرا که دوره تاریک و سیاه سراسر ایران را مثل عقاب به چنگال خود گرفتار کرده است. آنان برای ملک و ملت مثل مارهای تملق و جانوران دولت‌خور بودند که کشور ایران را به دریای فلاکت و نکبت غرق کرده‌اند. بنابراین برای اجرا و افزار قانون حکومت را تلقین و پیشنهاد می‌کند^۲.

روزنامه قانون به روحانیان هم مخاطب و متوجه است که حکومت وقت چطور ایرانیان را به لب فلاکت و بدبختی رسانده است و درباره این هرج و مرج و بی‌نظمی و بی‌قانونی می‌گوید که در جهان مثل ایران هیچ جای نیست که حقوق انسانی را پایمال و فنا کردند. هر نوع فلاکت و بیچارگی مثلاً فقر، قحطی، اسیری و زندان، ذلت و رسوایی در سراسر این کشور دامنگیر شده است. حکام وقت تمام دارایی و مالیات دولت و اموال شخصی را غصب نمودند یا به دست خارجیان به آب ریختند. طبقه روحانیان که در آن روزگار بر مردم اثر و نفوذ بسیار داشت، روزنامه تمام نقیصه‌های دولتی را آشکار نموده آنان را ترغیب به بیداری اجتماعی نمود^۳.

در آن زمان خودپسندی و خودخواهی بسیار در اجتماع ایران پیوسته و سرشته بود. ملکم خان به هدف اخراج این گرایش مضر قلم خویش را جنبش‌داده است. یقیناً آن روزگار غرض‌ورزی و بی‌اعتنایی و اختلافات داخلی در ایران اینقدر پراکنده بود که از رنجوری و درد و سرگردانی و نگرانی همسایه‌ها هیچ‌کس پروا و علاقه نداشت. به نظر

۱. روزنامه قانون، ش ۲۲، بدون تاریخ.

۲. روزنامه قانون، ش ۲۳، بدون تاریخ.

۳. روزنامه قانون، ش ۲۴، بدون تاریخ.

روزنامه موجب این خرابیها عدم قانون بود.^۱ نیز روزنامه قانون برای اتحاد و اتفاق بین مردم ایران سه‌م بسزایی به عهده داشت و برای فراموشی هر نوع تفاوت طبقاتی، اجتماعی، منطقه‌ای و لسانی درس مهمی داد.^۲

روزنامه قانون جنبه اسلامی هم به عهده داشته است. به نظر روزنامه کلید ترقی و پله تحولات در کتاب خدا (قرآن مجید) موجود است. مسلمانان باید آیین اسلام را پیروی کرده خودشان را اصلاح بنمایند. به انتظار دیگران نباید باشند. اولین وظیفه مسلمانان این است که همه توانایی و حوصله و حواس خود را جمع کرده به خاطر ترقی و پیشبرد ملک و ملت گام بزنند.^۳

در این روزنامه جایی دیگر گفته شده که آن همه مساوات و اتحاد و امنیت و عدالت و حقوق که در اروپا به طور اصول فطری و افکار تازه درپیش گرفته‌اند، در حقیقت تمام این اصول در دین اسلام موجود است. فقط باید مسلمانان آیین و قوانین و فرامین اسلام را جدّاً و مرتباً پیروی و عمل بنمایند.^۴

می‌بینیم که روزنامه قانون واقعاً به عنوان یکی از سرشناس‌ترین و ارزش‌مندترین روزنامه‌های فارسی محسوب می‌شود که از هر جهت و گوشه، پشتیبانی و تشویق وافر از آزادیخواهان و تجدیدطلبان نمود و اخگر انقلاب را هوای تازه بخشید و برای از بین بردن استبداد خشن و دیکتاتوری و ایجاد نظام حکومت مبنی بر قانون اساسی و پیشرفت اندیشه‌های آزادیخواهی و هویت‌جویی و جنبش فکری اذهان مردم نقش اساسی ایفا نمود. به بیان دیگر می‌توان گفت که رهبر و نماینده آزادی و بیداری و یکی از ستونهای نهضت مشروطیت ایران بود.

منابع

۱. افشار، ایرج: روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۱ ه.ش.
۲. افشار، ایرج (گردآورنده): نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده، تهران.

۱. روزنامه قانون، ش ۲۵، بدون تاریخ.

۲. همان.

۳. روزنامه قانون، ش ۲۷، بدون تاریخ.

۴. روزنامه قانون، ش ۳۸، بدون تاریخ.

۳. براون، ای.جی.: تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، ترجمه محمد عباس (فارسی)، انتشارات معرفت، تهران.
۴. رایین، اسماعیل: میرزا ملکم خان و زندگانی و کوششهای سیاسی، تهران.
۵. صباگردی مقدم، احمد: راهنمای روزنامه‌های ایران، تهیه و تنظیم کتابخانه ملی ایران.
۶. صلح‌جو، جهانگیر: تاریخ مطبوعات در ایران و جهان، تهران.
۷. طباطبایی، محیط: تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، انتشارات بهجت، تهران، ۱۳۷۵ ه.ش.
۸. گویل، کهن: تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
۹. نفیسی، محمود: تاریخچه مطبوعات ایران، تهران.
۱۰. نورایی، فرشته: تحقیق در افکار ملکم خان، شرکت سهامی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، تهران، ۱۳۵۲ ه.ش.
۱۱. هاشمی، صدر: تاریخ جراید و مجلات ایران، انتشارات کمال، اصفهان، ۱۹۵۲ م.
۱۲. روزنامه صور اسرافیل، شماره پنجم.
۱۳. روزنامه قانون، شماره ۱، سال ۲۰، رجب ۱۳۰۷ ه/فوریه ۱۸۹۰ م.
۱۴. همان، شماره ۳، سال ۲۰، رمضان ۱۳۰۷ ه/آوریل ۱۸۹۰ م.
۱۵. همان، شماره ۶، سال ۲۰ ذی‌الحجه ۱۳۰۷ ه/ژوئن ۱۸۹۰ م.
۱۶. همان، شماره ۱۴، بدون تاریخ.
۱۷. همان، شماره ۱۵، بدون تاریخ.
۱۸. همان، شماره ۱۷، بدون تاریخ.
۱۹. همان، شماره ۲۲، بدون تاریخ.
۲۰. همان، شماره ۲۳، بدون تاریخ.
۲۱. همان، شماره ۲۴، بدون تاریخ.
۲۲. همان، شماره ۲۵، بدون تاریخ.
۲۳. همان، شماره ۲۷، بدون تاریخ.
۲۴. همان، شماره ۳۸، بدون تاریخ.